

اهداف دو سویه کابل و ریاض از دامنه ی روابط سیاسی و اقتصادی

فرزاد رمضانی بونش

کارشناس مسائل بین الملل

محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در جریان سفری ۳ روزه به عربستان ضمن ادای عمره مفرده، با مقامات بلندپایه این کشور از جمله ولیعهد، وزیر خارجه و رئیس امنیت ملی عربستان دیدار و گفت و گو کرد. در زمینه توسعه مناسبات ۲ کشور و امضا توافق نامه استراتژیک بحث و تبادل نظر کرد. این نخستین سفر خارجی احمدزی به عنوان رئیس جمهور افغانستان پس از به قدرت رسیدن است. این نوشتار نگاهی به اهداف دو سویه کابل و ریاض از روابط دارد.

پیشینه روابط:

محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان در سال ۱۹۳۲ در شهر جده با ملک عبدالعزیز بنیانگذار عربستان سعودی دیدار و در آن زمان، موافقتنامه دوستی امضا کردند. همچنین ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی در ۱۳۴۹ خورشیدی از افغانستان بازدید رسمی کرد. در زمان محمد داود خان نیز مناسبات افغانستان با کشور عربستان سعودی دوستانه بود. اما پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ روابط دو کشور به سردی گرایید. با این وجود ریاض از رژیم گذشته حمایت و نیروهای مخالف کابل را به صورت مستقیم و غیر مستقیم تقویت میکرد. در این راستا عربستان سعودی پولهای گزافی به پاکستان جهت خرید اسلحه و توزیع آن در میان مجاهدین داد. بعد از خروج شوروی عربستان رژیم طالبان را به رسمیت شناخت. اما پس از سرنگونی طالبان و تاسیس اداره موقت در ۱۳۸۰ خورشیدی روابط میان دو کشور بار دیگر برقرار گردید و عربستان رویکردهایی نوینی را در افغانستان به اجرا گذاشت و دولت نوین در کابل را پذیرفت و جدا از گشایش سفارت در سال ۲۰۰۲، در کابل وعده ی کمک ۲۶۸ میلیون دلاری به افغانستان داد. در مقابل نیز رهبران افغانستان سفرهایی به ریاض داشتند.

اهداف کنونی عربستان از حضور در افغانستان:

عربستان بعد از سرنگونی طالبان نظم نوین در افغانستان را با وجود عدم تمایل پذیرفت و با وجود عدم اعتماد به حکومت آقای کرزی در سال های نخستین وعده هایی چون وعده ی کمک ۲۶۸ میلیون دلاری برای بازسازی

افغانستان داد. اما همچنان از حضور پر رنگ ایران ناراضی بود. در این بین اگر نگاهی به اهداف ریاض در عربستان باشیم این اهداف به چند بخش تقسیم میشود.

گسترش نفوذ فرهنگی و دینی: اگر نیک بنگریم حمایت عربستان از تفکر سلفی گری به دو بخش تقسیم می شود. بخش نخست حمایت از سلفی گری میانه رو از راه مراکز رسمی و دانشگاه ها، مساجد و مدارس مذهبی و اعزام مفتی و مبلغان مذهبی و مرکز الرباط العالم الاسلامی واقع در جده (هماهنگ با رویکرد حکومت و نهاد وهابیت در عربستان) است اما بخش دوم و متفاوت حمایت بخشی و نامتوازن عربستان از گروههای رادیکال یا سلفی گری تکفیری از راه سرویس های امنیتی و اطلاعاتی و برخی واسطه ها و وابسته های نفوذی در منطقه است. در این راه ریاض کوشش کرده است تا از يك سو مسیر منافع خاص خود را در افغانستان دنبال کند. در این میان یکی از مهمترین اهداف سیاست خارجی عربستان گسترش نفوذ در افغانستان با ترویج آیین وهابیت و یادآوری نقش رهبری در جهان اسلام بوده است. در این راستا ریاض می تواند با حفظ جایگاه نفوذ معنوی خود و حتی گسترش آن در افغانستان جدا از تثبیت مقام خود در جهان اهل سنت نفوذ معنوی خود را در آسیای میانه را نیز گسترش دهد. در همین بین سعودی ها با راه اندازی مراکز آموزشی و دینی افکار و شریعت اسلامی را مطابق با تفسیر وهابیت طرح راه اندازی مرکز بزرگ دینی «مرکز اسلامی ملک عبدالله» با هزینه ۱۰۰ میلیون دلاری در رقابت با دانشگاه خاتم النبیین در کابل را در برنامه دارند.

حضور سیاسی و ژئوپلیتیک:

مانور سیاسی صلح با طالبان و نوع میاخی گری: از نگاه رهبران عربستان آنان تاثیر گذار و تعیین کننده در تحولات افغانستان هستند. در این راستا این کشور با توجه به نوع ارتباط با گروه های بنیادگرا در پاکستان و افغانستان (عربستان سعودی پشتیبانی کننده گذشته طالبان بوده و اکنون نیز نفوذ زیادی در بین رهبران طالبان و جریان افراط داشته است) از سویی می تواند منافع طالبان و احزاب و همپیمانان افغانستانی عربستان را در افغانستان تامین و از سویی نیز منجر به دریافت امتیازات گسترده تر از دولت کابل و حضور فزاینده در افغانستان گردد. در این بین ریاض با توجه به حمایت واشنگتن از مذاکره با گروه های مخالف به میزبانی عربستان می کوشد تا گذشته از رقابت با قطر در کسب و نقش عمده در گفتوهای طالبان با دولت افغانستان نقش مهم خود را به امریکا یادآور شود و امتیازاتی را در سایر حوزه ها از غرب دریافت کند. گذشته از این نیز باید توجه داشت که پس از سرنگونی طالبان در افغانستان نقش عربستان در این کشور کمرنگ شده و بر نفوذ برخی از رقیبان عربستان در افغانستان افزوده شده است لذا

عربستان با بستن معاهده استراتژیک با دولت افغانستان (با محور های اقتصادی، امنیتی و سیاسی) قصد دارد برای احیای نقش گذشته خود در افغانستان بکوشد.

مهار ایران و رقابت با قدرت های منطقه ای:

در واقع از نگاه عربستان با توجه به وضعیت کنونی افغانستان حضور و نفوذ بیشتر در افغانستان می تواند جدا از مهار ایران به تقویت حضور امنیتی سیاسی و ژئوپلیتیک آنها در منطقه کمک کند. این امر از سالهای گذشته نیز مد نظر مقامات عربستانی بوده است چنانچه در گذشته ویکیلیکس نامه ای را از هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه امریکا منتشر کرده بود که عربستان سعودی از تشکیل مثلثی شیعه متشکل از ایران و پاکستان تا عراق تحت حکومت نوری مالکی و تشکیل مثلثی شیعی در منطقه بسیار نگران بود. اکنون نیز تشدید تنش با تهران توجه عربستان به افغانستان را بیشتر کرده است. در واقع به هر میزان که دامنه اختلاف بین تهران و ریاض پایدار باشد نگاه عربستان به حضور فزاینده در همسایگان شرقی ایران و مهار ایران از شرق بیشتر میشود. در این بین اکنون ریاض که با هر گونه رویکرد تهران که موجب تقویت حوزه نفوذ ایران در منطقه عربی باشد مخالف است و امیدوار بود که نوعی اتحاد منطقه ای بر ضد ایران در دور ایران شکل داده تا جدا از کم کردن آسیب احتمال توافق و غرب و گسترش بیشتر قدرت منطقه ای ایران ریاض بتواند قدرت ایران را در منطقه را مهار کند و مانع از نقش آفرینی بیشتر ایران در خاورمیانه عربی گردد.

گذشته از این باید دانست در شرایط کنونی و تشکیل دولت وحدت ملی ریاض از آینده نوع همکاری ایران و واشنگتن بر سر افغانستان و کاهش نقش ریاض در منطقه می هراسد لذا با تدوین رویکردهایی تلاش میکند جدا از توجه به بهره گیری از نقش پاکستان در رقابت با ترکیه در جهان اسلام و جلوگیری از حضور بیشتر چین نقش مهمی در افغانستان بازی کند. در کنار این ریاض سعی میکند تا با توجه به منطقه آسیای مرکزی افغانستان به مثابه پایگاهی ایدئولوژیکی سیاسی و فرهنگی برای حضور در آسیای مرکزی باشد.

اهداف افغانستان از روابط با عربستان:

سیاست خارجی مستقل افغانستان در دوران امیر امان اله خان شکل گرفت. در آن دوران افغانستان با جمهوری ترکیه روابط خارجی حسنه داشت اما در دوران نادرخان وی گرایش بیشتری به کشور عربستان سعودی پیدا کرد در این میان با توجه به نقش عربستان در جهان اهل سنت رهبران افغانستانی معمولا توجه ویژه ای به این کشور دارند. در این میان با

توجه به شرایط کنونی رهبران افغانستان اهدافی چند از روابط با ریاض دارند.

سیاسی و ژئوپلتیک: از نگاه اشرف غنی احمدزی عربستان در خطوط کلی سیاست خارجی در حلقه دوم (حلقه نخست کشور های همسایه، حلقه دوم کشور های اسلامی، حلقه سوم کشور های غربی مانند آمریکا) قرار دارد. در این بین با توجه به اینکه غنی در زمان کارزارهای انتخاباتی خود بیان داشته بود که صورت پیروزی نخستین خارجی اش به کشور عربستان خواهد بود وی نخستین سفر خارجی خود را به عربستان داشت. در این بین باید توجه داشت که عربستان به عنوان یکی از کشورهای حامی مالی و سیاسی تیم آقای اشرف غنی حامد زی شناخته میشود و انتخاب غنی به عنوان رییس جمهور میتواند فرصت هایی بپوشاند برای عربستان فراهم کند. در کنار این اشرف غنی تکنوکرات با سفر به عربستان سعودی عملاً در مقابل اتهام بی توجهی به دین اسلام در جهت افزایش محبوبیت خود تلاش کرده است.

کاهش از نقش مخرّب ریاض و کمک به صلح با طالبان: عربستان از کشور هایی است که بیشترین کمک را به مدارس دینی منطقه (که نقش بنیادین در ترویج اندیشه های بنیادگرایانه دارد) میکند و این امر چالش جدی فراروی حکومت رئیس جمهور کرزی بوده است. در این میان از نظر افغانستانی ها عربستان به لحاظ فکری و تجهیز مالی گروه طالبان مورد سوطن است لذا در صورت ارتباط بیشتر با ریاض می توان از نقش مخرّب ریاض کاست. از این منظر تا وقتی منبع تغذیه و آبشخور سیاسی گروه های نظم ستیز در عربستان باشد این گروه ها با دولت سر سازش نداشته و سلاح ها را به زمین نگذاشته و به قانون اساسی احترام نمی گذارند. لذا در چند سال گذشته هم کرزای به نقش عربستان سعودی در تامین صلح تاکید کرده و از عربستان خواست تا میزبان مذاکرات صلح دولت افغانستان و طالبان باشد. هم اکنون غنی نیز براین نظر است که با توجه به نگاه ولیعهد عربستان سعودی (کشورش از هیچ تلاشی برای تامین صلح و ثبات در افغانستان دریغ نخواهد کرد) از نفوذ سنتی عربستان سعودی بر طالبان در راستای برقراری رابطه با طالبان و تامین صلح در کشور استفاده کند.

تلاش در جهت مهار پاکستان و آی اس آی: از نگاه کابل با توجه به روابط گذشته طالبان و ریاض، ریاض با اسلام آباد و نقش و جایگاه معنوی عربستان در جهان اسلام و در بین رهبران طالبان میانجی گری ریاض می تواند مفید باشد و هرگونه رضایت عربستان به ایفای نقش میانجی گرایانه میتواند رهبران و ارتش پاکستان را هم به معادله صلح افغانستان نیز بکشد. چنانچه اخیراً شورای عالی صلح افغانستان سفر وزیر خارجه عربستان به پاکستان را در تقویت روند تلاش های صلح این کشور موثر دانست و یک هفته قبل از آن، هیاتی از شورای عالی صلح افغانستان، از عربستان سعودی دیدار کرده بود. در این بین باید اشاره

کرد با توجه به نفوذ گسترده ریاض در دولت نواز شریف عربستان سعودی دست کم می تواند آی اس ای را وادار به حمایت از روند صلح و جلوگیری از نامانی در افغانستان نماید.

همکاری های همه جانبه اقتصادی عربستان با افغانستان: چندی پیش در حاشیه نشست کشورهای قلب آسیا در شهر آلماتی قزاقستان وزیر خارجه افغانستان با معاون وزارت خارجه عربستان سعودی موافقت نامه همکاری های همه جانبه امضا کرد. در این موافقت نامه توافق شده تا در بخش های تجارت، اقتصاد، سرمایه گذاری، فرهنگی، مطبوعات و... همکاری صورت گیرد. در این بین با توجه به وعده های اقتصادی (که آقای غنی در مبارزات انتخاباتی خود به مردم وعده داده است) و وضعیت و توان گسترده اقتصادی ریاض در شرایط کنونی کابل تلاش میکند تا از این توان بهره برد و از حضور گسترده اقتصادی و سرمایه گذاری عربستان در افغانستان حمایت کند و درکنار آن نیز امتیازهایی چون حضور مذهبی و... به ریاض دهد. در این بین باید توجه داشت که از نگاه کابل حضور اقتصادی عربستان مانع از نقش مخرب در کشور خواهد شد.

رویکرد بازیگران به حضور و افزایش نقش عربستان در افغانستان

پاکستان از يك سو به عنوان کشور همسو و همفکر با عربستان در منطقه از همکاری عربستان در افغانستان استقبال کند. اما از سوی دیگر به خاطر اینکه ممکن است جای نفوذ گسترده ای برای پاکستان باقی نماند ممکن است مخالف گسترش نفوذ عربستان در افغانستان باشد. جدا از این کشورهای دیگر منطقه بویژه ایران و همسایگان شمالی چون تاجیکستان ازبکستان ترکمنستان و همچنین هند، چین و روسیه که با افکار افراطی و وهابیت به شدت مخالف هستند با حضور بیشتر عربستان مخالفت میکنند.

چشم انداز حضور عربستان در افغانستان:

از نگاه مخالفان ایفای نقش پررنگ تر عربستان در طول سی سال گذشته بیشتر ایدئولوژیک بوده است و ریاض در میانجی گری و فشار بر طالبان عملاً تلاشی عمده صورت نداده است. همچنین عربستان نفتی جدا از انجام ندادن بخشی از تعهدات خود در قبال افغانستان کمک اقتصادی گسترده ای به دولت و مردم افغانستان نکرده است. در این میان مخالفان بر این نظرند عربستان سعودی هیچگاه به اندازه ای با افغانستان دوست نبوده که منجر به زدودن ریشه های تروریسم، بنیادگرایی مذهبی و افراطی گری ایدئولوژیک گردد. گذشته از این پیامدهای رویکرد ایدئولوژیک ریاض این نگرانی را در بین احزاب گوناگون مذهبی، قومی و اقلیتهای

افغانستان افزایش داده است. لذا نگاه بسیاری از احزابی چون ائتلاف ملی افغانستان و همچنین تاجیکها و شیعیان به حضور افزایشی عربستان در افغانستان مثبت نیست. گذشته از این نیز افغانستان جامعه ای چند قومی بوده و در گرایش های مذهبی مردم افغانستان تعامل مثبتی با همه مذاهب اسلامی داشته و فرهنگ مذهبی ملی افغانستان بیشتر حنفی و شیعی بوده است لذا حضور گسترده و استراتژیک عربستان در افغانستان، برخلاف خواست و تمایل جمعی مردم افغانستان است و به تشدید رقابت قدرت های رقیب منطقه ای و بین المللی در کشور منجر میشود. در این بین هر چند اکنون دولت افغانستان از رویکرد شرکت ریاض در گفتگوهای صلح عربستان و افزایش حضور سیاسی و اقتصادی این کشور در افغانستان حمایت میکند اما در کنار حمایت از افزایش نقش اقتصادی این نگرش به معنای پذیرش گسترده نقش مذهبی و سیاس ریاض نیست.